



دوشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۴ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۸۴۴
www.hammihanonline.ir

گزارش
پارلمان
۴-۵

دولت در محاصره سوالات

ارزیابی افزایش سوالات نمایندگان مجلس از اعضای کابینه
در گفت‌وگو با عباس گودرزی و رضا سپهوند

گزارش
صنعت
۱۰-۱۱

شامخ در وضعیت وخیم

شاخص خرید بخش صنعت در خردادماه امسال
در پایین‌ترین نقطه تاریخی قرار گرفت

گزارش
رسانه
۱۶

دام درام و در آمد

بررسی محتوای برنامه‌های سرگرمی محور فارسی
که در پلتفرم یوتیوب در حال افزایش است



جان دادن میان آتش

روایتی از جان باختن یک محیطبان و بررسی پرونده قربانیان حریق‌های زاگرس

گزارش
دیپلماسی
۲

همزمان با فضا سازی جدید
سعید جلیلی مطرح شد

پاسخ عراقچی به مخالفان مذاکره

سرمقاله

فهم ضعیف قدرت نمی‌آورد

یکی از متنفذین جناح تندرو در تعریض به مذاکرات وزارت امور خارجه با طرف‌های اروپایی گفته است که: «ضعف، جنگ می‌آورد و تنها قدرت است که مانع جنگ می‌شود. دیپلماسی باید حامی سرمایه‌های ملی باشد، نه ابزار کاهش آن. الان سه دولت اروپایی باید خودشان را به ما اثبات کنند، نه ما؛ زیرا آن‌ها حمله به ما را تأیید کردند.» این گزاره که «ضعف جنگ می‌آورد»، در عین رواج و درستی بسیار ناقص و فریبنده است. باید پاسخ داد که جنگ اخیر محصول چه بود؟ ضعف ایران یا ضعف طرف مقابل؟ به علاوه، مولفه‌های ضعف و قدرت چیست؟ آیا فقط تسلیحات و نیروی نظامی است یا ابعاد سیاسی و اقتصادی و فن‌آوری و اطلاعاتی و رسانه‌ای و درک و فهم ما از واقعیت را هم شامل می‌شود؟ آیا گوینده این سخنان می‌تواند وضعیت ایران را از این وجوه نیز ارزیابی و با طرف مقابل مقایسه کند؟ در واقع، ضعف به‌تنهایی نیست که منشأ جنگ می‌شود. بلکه ترکیب آن با اهداف ناسازگار با قدرت است که موجب جنگ می‌شود. اکنون میان اغلب کشورها عدم توازن شدید قدرت وجود دارد؛ ولی لزوماً میان آنها جنگ هم نمی‌شود، زیرا اهداف خود را نسبت به یکدیگر متوازن و معقول کرده‌اند. جامعه‌ای که یکی از ضعیف‌ترین نظام‌های رسانه‌ای را دارد و همیشگی هم از این وضعیت می‌نالند و غر می‌زند؛ در عین حال، در بحبوحه شرایط جنگی که وضعیت اغلب مسائل نامتعین است، دنبال محدودیت بیشتر رسانه می‌رود و مردم را به خود خشمگین می‌کند و معلوم است که درک درستی از واقعیت صحنه ندارد. اگر معتقد باشیم که قدرت و فقط قدرت مانع جنگ است، پس به دشمنان خود هم پیام داده‌ایم که ما فقط با ابزار قدرت حرف می‌زنیم و نتیجه منطقی این می‌شود که آنان هم فقط با قدرت سخن بگویند و رفتار کنند. در این صورت، ادعای اینکه اروپایی‌ها باید خود را به ما اثبات کنند از کدام بخش قدرت استنتاج می‌شود؟ این حرف که آنان حمله به ما را تأیید کردند، مبنایی منطقی دارد. در حالیکه بر مبنای دیپلماسی به‌مثابه قدرت، اساساً این پرسش بی‌معنی است: زیراکسی که قدرت دارد، لزومی نمی‌بیند که در برابر اعمالش پاسخگو باشد. از سوی دیگر، این غلط است که بگوییم دیپلماسی باید حامی سرمایه‌های ملی باشد. چون دیپلماسی نیز جزئی از این سرمایه ملی است و نگاه به آن نباید مثل نگاه به فرزند شوهر باشد. این نگاه ریشه همه بحران‌های ایران در سیاست خارجی است. نگاهی که گمان می‌کند دیپلماسی باید در خدمت میدان و دست به سینه آن بایستد. در حالی که اینها در طول هم نیستند؛ بلکه همه آنها در کنار و در عرض یکدیگرند و با اقتصاد و رسانه و سیاست داخلی و فرهنگ، همگی اجزای همسنگ و برابر یک پدیده به نام حاکمیت و قدرت ملی را تشکیل می‌دهند.

نامه ۱۹ نماینده به رئیس جمهور
و نطق فرید موسوی نماینده
اصلاح طلب در مخالفت با
لایحه ناقض آزادی بیان

تکرار صیانت با دوفوریت

رخداد
پارلمان
۴

اکثریت نمایندگان
در جلسه علنی دیروز
باتصویب سریع لایحه ارسالی
دولت وقوه قضائیه موافقت کردند

نگاه
هم‌میهن

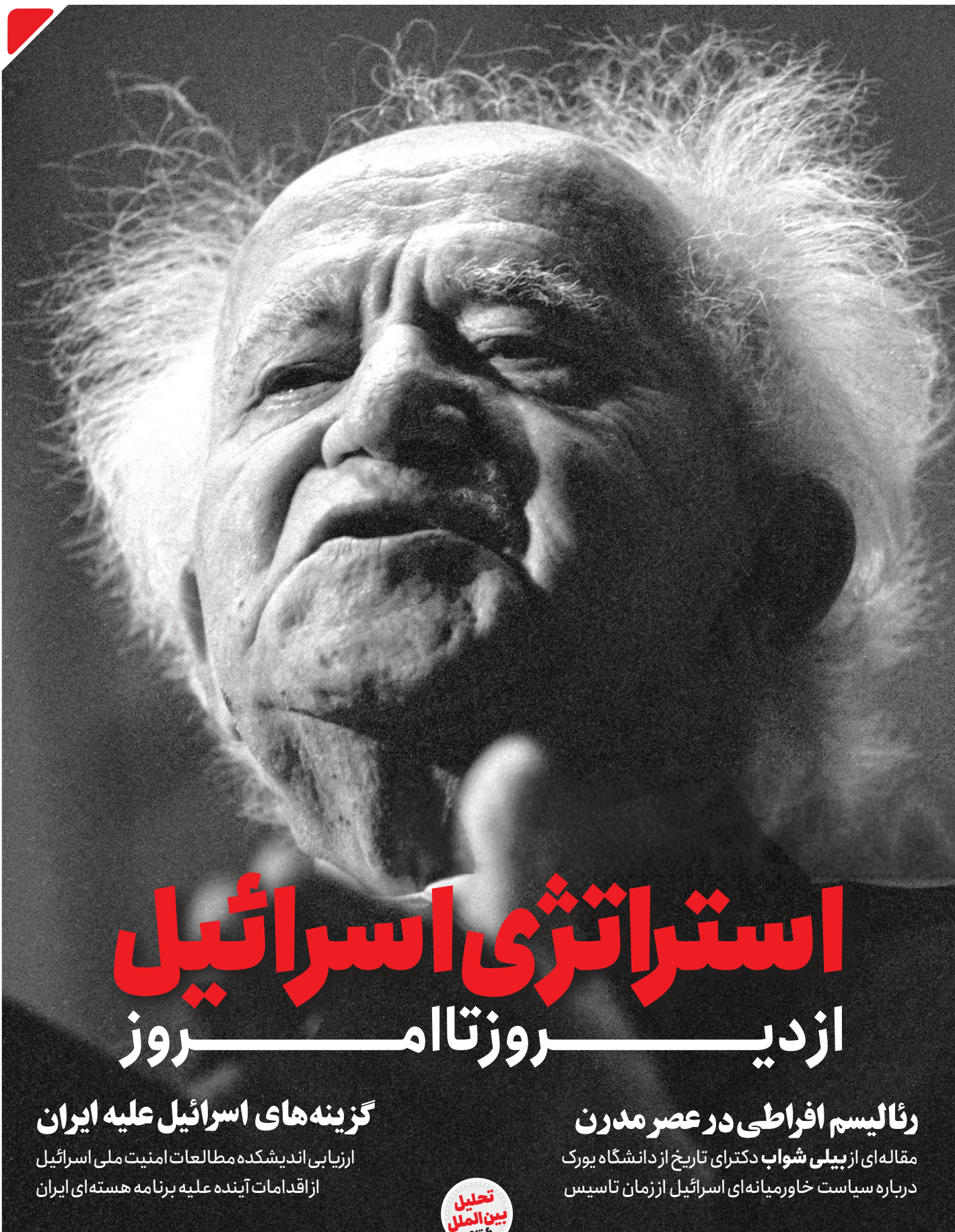
لایحه عذاب اهل رسانه



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

برخی متن‌ها ارزش نقد کردن ندارند و لایحه «مقابله با نشر محتوای خلاف واقع در فضای مجازی» از این دست متن‌هاست! حتی مرورش هم عذاب‌آور است چه رسد به اینکه مطالعه آن، به طرزی منطقی و علمی، ذهن را برای نقدش تحریک کند. قانون‌نویس قاعدتاً باید چیزی از دانش منطق بداند. اساس منطق بر تعریف مانع و جامع مفاهیم است؛ به‌طوری که مصادیق آنها مناقشه‌انگیز نباشد. محور و مرکز ثقل لایحه مذکور محتوای «خلاف واقع» است. محتوای واقع و خلاف واقع اما چیست؟ اگر پاسخ به این پرسش به آن سادگی بود که تهیه‌کنندگان لایحه پنداشته‌اند، اساساً این ابتداء تاریخ تا انتهای آن، کمترین اختلافی پیش نمی‌آمد و جامعه انسانی نه آن چیزی بود که امروز هست! اگر کسی کمترین آشنایی با روند تطور فلسفه شناخت در طول تاریخ داشته باشد، قاعدتاً می‌داند که همه نزاع‌های فلاسفه و دانشمندان و فرمانروایان و مردم عادی معمولاً بر سر تعریف و تشخیص همین «امر واقع» و «امر خلاف آن» بوده است؛ به راستی امر واقع چیست؟ آنچه از طریق حواس پنجگانه به سیستم مغز ما منتقل می‌شود؟ یا کلیات غیرقابل از‌مومن تجربی که فقط از راه تعقل انتزاعی قابل ادراکند؟ آیا امر واقع به صورت فی‌نفسه در دسترس ذهن بشر است یا اینکه فقط از کاتال مقولات پیشینی ذهن آدمی، صورت خاصی از آنها بر ما ظاهر می‌شود؟ پدیده‌هایی مانند شهود، وحی، اشراق و الهام نسبت‌شان با امر واقع چیست و با چه نوع استدلال تجربی و برهان عقلی در شمار امور واقع یا خلاف واقع قرار می‌گیرند؟ آیا مواجهه نوع بشر با هستی و اجزاء آن، از جنس تأویل و تفسیر و قرائت است یا همه آنها به صورتی یکسان بر نوع بشر متجلی می‌شوند؟ این پرسش‌ها فقط بخشی از مشکلات مربوط به امر مطابق واقع و خلاف واقع است که از ابتدای شکل‌گیری فلسفه در یونان باستان تا همین امروز گریبان فلاسفه و دانشمندان را رها نکرده و همه حوزه‌های دانش و معرفت از جمله شناخت دینی و مذهبی را تحت تأثیر خود قرار داده است. برای نمونه در مناجات شعبانیه آمده است: «وَأَنزِلْ أَصْوَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ، حَتَّى تَخْرُقَ أَصْوَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ الْبُؤْسِ فَتَمْلِكْ إِلَى مُعَدِنِ الْعَقْطَمَةِ.» (دیدة دل‌های ما را به تابش نظر خود روشن کن تا دیده‌های دل، پرده‌های نور را ببرد و به سرچشمه عظمت وصل شود.) این فراز از مناجات حتی نور امانع مشاهده حقایق توصیف می‌کند و خواستار تابشی از سوی خداوند است که پرده‌های نور را از هم ببرد!



استراتژی اسرائیل از دیروز تا امروز

گزینه‌های اسرائیل علیه ایران

ارزیابی اندیشکده مطالعات امنیت ملی اسرائیل
از اقدامات آینده علیه برنامه هسته‌ای ایران

رناليسم افراطی در عصر مدرن

مقاله‌ای از بیلی شواب دکترای تاریخ از دانشگاه یورک
درباره سیاست خاورمیانه‌ای اسرائیل از زمان تاسیس

تحلیل
بین‌الملل
۹ تا ۶

تأیید بن‌نویس، بنیان‌گذار اولین نخست‌وزیر اسرائیل / عکس: Getty Images